

سایت خبری - فرهنگ‌تریترکمنصحرا : سازمان مشروطه خواهان "خط مقدم" یکی از جریان‌هایی است که اخیراً در اپوزسیون خارج از کشور مسئله ملیت‌ها و اقوام را طرح می‌کند و علیرغم مخالفت بسیاری از جریان‌های راست تنها نیروی طیف راست است که به این مسائل هم پرداخته است. برای آشنائی با نظرات این سازمان گفتگویی با دبیر کل "سازمان مشروطه خواهان جبهه خط مقدم" آقای دکتر مهرداد خوانساری انجام گرفته است که در اینجا می‌خوانید:

ترکمنصحرا: طرح مسائل ملیت‌ها و اقوام از طرف شما چیز تازه‌ای است و قبلاً به این مسائل نمی‌پرداختید. آیا شما به طرز تفکر جدیدی رسیدید؟

دکتر خوانساری: ما در سنوات پیش همواره با مسائل و مباحث مختلفی در رابطه با رسیدن به یک راه حل‌های منطقی به منظور روبرو گردیدن با اولویت‌های امروز و فردای مملکت بوده‌ایم. همچنین در این ایام ما از ارتباطات وسیعی - بخصوص در دهسال اول بعد از انقلاب که شرایط زمان و استراتژی مبارزه تا حدود بسیار زیادی با آنچه که اکنون مطرح است متفاوت بود- با اقوام ایرانی در نقاط مختلف کشور نیز برخورد کرده‌ایم.

لذا سابقه بحث و گفتگو و حتی همکاری‌های جدی‌تری تازه نیست. ولی این درست است که با توجه به اولویت‌های زمان، ارائه دیدگاهی قاطع در رابطه با بینش‌های ما برای ایران بعد از جمهوری اسلامی، مسأله رسیدن به یک سلسله نتایج و اعلام آنها در رابطه با مسأله اقوام و ساختار حکومتی آینده کشور از اهمیت خاصی برخوردار بوده که لزوم پرداختن صریح به آن امری ضروری تشخیص داده شده. به این لحاظ پس از بحث و تبادل نظر هائیکه بخصوص در دو سال گذشته در جریان بوده، ما اینک به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم نظرات و دیدگاه‌های خودمان در ارتباط با مقوله فدرالیسم و عدم تمرکز - که می‌تواند اهرم دیگری برای استقرار دموکراسی در ایران باشد - را بصورتی واضح و بی‌شائبه اعلام نماییم.

ترکمنصحرا : آقای دکتر خوانساری شما مسأله ملی در کشور را قبول دارید و در میان طیف راست اولین کسی هستید که «تابوی» این مسائل را شکستید و اصطلاحات فدرالیسم، عدم تمرکز و تقسیم قدرت را وارد ادبیات سیاسی راست‌ها هم کردید؟ آیا فرقی بین دیدگاه شما و گروهتان با سلطنت طلب‌ها و یا احیاناً با آقای رضا پهلوی در مورد مسائل ملیت‌ها و اقوام هست؟

دکتر خوانساری: تا آنجا که من اطلاع دارم، تاکنون ما تنها نیروی مشروطه خواه هستیم که موضوع عدم تمرکز را با پشتیبانی صریح از مقوله و واژه فدرالیسم اعلام نموده‌ایم. ولی این را باید متذکر شد که تقریباً تمام نیروهای جدی در این طیف و بویژه شخص شاهزاده رضا پهلوی، همگی به نوعی بحث لزوم عدم تمرکز را با تأکید بر مسائلی از قبیل «تأمین حقوق فرهنگی، اقتصادی، اداری، اجتماعی و منطقه‌ای اقوام ایرانی» بدون استفاده از واژه فدرالیسم اعلام داشته‌اند. تصور من این است که با شکستن این تابو، نیروهای معتبر و ملی با توجه به شرایط و نیازمندیهای زمان، بزودی به یک توافق کلی پیرامون این موضوع خواهند رسید.

ترکمنصحرا : برخی‌ها معتقدند راست‌ها که زمانی قدرت در دستشان بوده و برخورد نادرستی با مسأله ملی و اقوام در کشور داشتند و امروزه با تجربه تلخ آن برخوردها راه واقعی‌تری برای حل اصولی این چالش‌ها را طرح

میکنند یا اینکه شما با طرح این قضایا فقط دنبال یک سری اهداف سیاسی خاصی هستید؟

دکتر خوانساری: علاقمندم به طریق دیگری با این موضوع برخورد کنم. در ابتدا اینرا بگویم که من خواهان ایرانی هستم که تمام شهروندان - که شامل تمام اقوام نیز میگردد - خود را بعنوان «سهام دار مساوی» در آنچه من آنرا در این مورد تحت عنوان «شرکت ملی ایران» نام گذاری کرده ام، بدانند. متأسفانه این احساس به سبکی که من خواهان آن هستم در گذشته وجود نداشت و این آن تجربه تلخی است که شما به آن اشاره کرده اید. ولی این موضوع را نیز باید تأکید نمود که شرایط و نیازمندیهای مملکت در تاریخ معاصر کشورمان، بطور مثال در زمان ظهور رضا شاه با آنچه که امروز با آن مواجه هستیم متفاوت بود و در این راستا هدف فردی مثل من پیش کشیدن مسائل گذشته و احیاناً توجه یاردها نیست. ضمناً می خواهم این مطلب را بطور صریح و بی شائبه به این صورت نیز مطرح نمایم که هدف من از طرح این مقوله يك امر تاکتیکی نیست و اعلام مواضعی که از سوی من انجام گرفته به دلیل اعتقادات من برای ارائه فورمولی جدید برای آینده ایران است که در آن از تمامیت ارضی و استقلال ملی کشور که امر مقدسی برای طیف من می باشد حراست بعمل آید.

ترکمنصحرا: ایران یکی از کشورهای «محور شرارت» است و شاید فردای عراق نوبت ایران هم بشود. آیا بنظر شما راست ها و اقلیت های ملی و قومی می توانند آلترناتیو آینده ایران باشند و فکر میکنید که در استراتژی آمریکا برای خاورمیانه ملیت ها و اقوام ایرانی می توانند در کنار «دوستان سابق» آمریکا قرار بگیرند و اصولاً نقش «خارج» و یا «دموکراسی های جهان» را در آینده ایران چگونه می بینید؟

دکتر خوانساری: در شرایط کنونی و با توجه به تجربیات 24 سال اخیر، من اساساً بکار بردن واژه «راست» را در ارتباط با دیدگاه ها و نظریات سیاسی-اقتصادی-اجتماعی خودم مناسب نمی دانم. من خودم و همکارانم در طیف را در درجه اول بعنوان ایرانیان «دموکرات و سکولار» می شناسم و به این لحاظ علاقمندم تا با هر ایرانی دموکرات و سکولار دیگری که خواستار رهایی مملکت از شرایط کنونی و استقرار مردمسالاری باشد نزدیک شوم و رابطه برقرار سازم. البته اینکه دیگران ما را تحت این عنوان مطرح می سازند بیشتر به خاطر این است که ما متعلق به يك طیف سنتی هستیم و هرگز سابقه همکاری با نیروهای فعال «چپ» را نداشته ایم. ولی این برجسب ها بیشتر متعلق به گذشته اند زیرا که خیلی از چپی ها هم خود را امروز دموکرات و سکولار میدانند. قصد از این توضیح این بود که بگویم به اعتقاد من همبستگی نیروهای سیاسی دموکرات و سکولار با اقوام ایرانی و تفاهم میان آنها بر روی يك سلسله مواضع اصولی و امروزی فارغ از خرده گیری های مربوط به گذشته که هیچیک از بازیکنان فعلی نقشی در آنها نداشته اند، می تواند این قابلیت را به وجود آورد که مجموعه مشترك و سازمان یافته آنها نقش يك آلترناتیو معتبر و منطقی را ایفا کند. در اینصورت، با توجه به مواضعی که آمریکا پس از فاجعه 11 سپتامبر در قبال کشورهای چون ایران و عراق اتخاذ نموده، من تردیدی ندارم که استراتژی آینده آمریکا دیگر مبتنی بر سازش یا بها دادن به حکومت

اسلامي در ايران نيست، ضمن اينكه برخوردارش با ايران بطور كامل با برخورداري كه با افغانستان و عراق دارد متفاوت خواهد بود. به اين لحاظ است كه من حضور يك ائتلاف از نيروهاي سياسي معقول كه خود را متعهد به قوائد بازي دمكراتيک ميدانند بيش از پيش ضروري مي دانم. من اساساً عليرغم تمام تجربيات گذشته موانعي در ايجاد روابط منطقي با آمريكا نمي بينم و معتقدم كه ضرورت زمان آنكشور و ديگر دموكراسي هاي غرب را كه همواره نقش عمده اي را در تاريخ منطقه ما ايفا نموده اند بر اين نياز مندي واداشته كه مقوله دموكراسي را ديگر نمي توان در خاورميانه به خاطر منافع اقتصادي آنها در كشورهاي چون عربستان سعودي يا شيخ نشين هاي خليج فارس متوقف ساخت. همچنين، مقوله «فدار ايسم» هم كه اينك بعنوان يك راه حل اساسي در رابطه با افغانستان و عراق مد نظر است، شايد فرمول متناسبي براي كشورهاي چون ايران و عربستان سعودي نيز باشد لذا، من رويهمرفته خوشبينم كه دموكراسي هاي جهان ديگر در مقابل خواسته و اراده ملت ما قرار نگیرند و با اين علم كه شرايط موجود در ايران با آنچه كه در افغانستان و عراق بوده متفاوت مي باشد، زمينه اي فراهم آورند تا صرفاً با پشتيباني معنوي و تبليغاتي روزافزون خود از تمايلات واقعي مردم كشورمان شرايط يك دگرگوني عمده كه به دست هم ميهنانمان طرح، برنامه ريزي و اجرا گردد را هموار سازند.